

صلاة الاضلاع



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته تاریخ گرایش ایران اسلامی

عنوان پایان نامه

**اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایلات و عشایر ایران در سفرنامه های خارجیان
دوره قاجار**

استاد راهنما :

دکتر ناصر تکمیل همایون

استاد مشاور :

دکتر حسن زندیه

پژوهشگر :

مرضیه خورج

آذر ماه 1391

سپاس و قدردانی :

اکنون که کار این پایان نامه به انجام رسیده ، وظیفه خود می دانم تا به حکم « من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق » از همه ی عزیزان و بزرگوارانی که مرا در این کار یاری داده اند ، سپاسگزاری نمایم .

از جناب آقای دکتر تکمیل همایون که با راهنمایی های بی دریغ و پیشنهادات ارزنده شان بنده را در تهیه و تدوین این پژوهش یاری نمودند تشکر و قدردانی می نمایم . هم چنین مشورت های پربار جناب آقای دکتر زندیه که یاری دهنده اینجانب در تهیه و تدوین این پژوهش بوده ، مایه سپاس و امتنان فراوان است . بدون شک تمامی مراحل پژوهش از انتخاب موضوع تا زمان اتمام کار مدیون راهنمایی ها و ارائه نقطه نظرات این استادان ارجمند می باشد .

بر خود لازم می دانم از جناب آقای دکتر ربانی زاده ریاست محترم پژوهشکده تاریخ به خاطر حسن توجه و زحمت های شان قدردانی نمایم . از جناب آقای دکتر ملایی توانی که داوری پایان نامه را قبول کردند بسیار سپاسگزارم . هم چنین از همه ی استادانم که حقی بزرگ بر من دارند به خصوص خانم دکتر ترکمنی آذر مدیریت گروه تاریخ و جناب آقای دکتر یوسفی فر استاد درس روش تحقیق کمال سپاس را دارم .

هم چنین از خانواده عزیزم که در طول مدت تحصیل با بردباری و فداکاری یاری رسان من بوده اند بی نهایت سپاسگزارم .

تقدیم به

ساحت پدر مهربانم
به پاس زحمات بی دریغش

چکیده

رساله حاضر برآن است تا با محوریت مطالب مندرج در سفرنامه های خارجیان دوره قاجار به این مسأله پاسخ دهد که سفرنامه نویسان خارجی وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایلات و عشایر را چگونه تبیین کرده اند؟ و از پرتو این سفرنامه ها سیر تحول و تطور حیات اجتماعی و فرهنگی آنان چگونه قابل تبیین است و چه نتایجی از آن بدست می آید؟ هم چنین برای آن که این مطالعه کامل تر شود آن را با منابع و تحقیقات تاریخی و مردم شناسی مقایسه و تجزیه و تحلیل نماید. از این رو پژوهش حاضر مطالعه ی میان رشته ای می باشد. روش اصلی پژوهش توصیفی - تحلیلی و ابزار آن کتابخانه ای است به گونه ای که مطالب مندرج در سفرنامه ها براساس موضوعات جغرافیایی، مدیریتی، جایگاه زنان، عادات و رسوم، پوشاک، مسائل فرهنگی، آموزشی و گویشی، عرف و عادت کیفری و باورها و رویکردهای مذهبی و عقیدتی، به ترتیب حروف الفبایی ایلات و با در نظر گرفتن زمان حضور سیاح مورد استفاده قرار گرفته است.

براساس گزارش سیاحان، جمعیت عشایری ایران بیشتر در نواحی شمال و شمال غربی تا جنوب و جنوب شرقی پراکنده اند. با وجود این پراکندگی، وجوه مشترک بسیاری به لحاظ اجتماعی و فرهنگی در جوامع ایلی به چشم می خورد. بنا بر گزارش خارجیان، شیوه معیشت این جوامع مبتنی بر تولیدات دامی و کشاورزی است. در تشکیلات ایلی، ایل بزرگترین واحد سیاسی - اجتماعی و طایفه رکن اساسی می باشد، که در دوره قاجاریه مشخصه اصلی تمامی این جوامع، نظام خان سالاری بوده است. بنا بر این گزارش ها زنان ایلات به عنوان محور تلاش در همه عرصه های زندگی ایلی از جایگاه والایی برخوردار بوده اند. از جمله موضوعات اجتماعی و فرهنگی که نظر بسیاری از سیاحان را در ایلات به خود جلب کرده آداب و رسوم ازدواج و سوگواری است، تا آن جا که می توان بنا بر این داده ها، تصویر روشنی از این رسوم را بدست آورد. از خلال مطالب سفرنامه ها چنین بر می آید که پوشاک مردم ایلات نه تنها بیانگر نمود هویت فرهنگی و قومی پوشندگان آن بوده، بلکه نشان دهنده ی جایگاه اجتماعی آنان نیز بوده است. بنا بر اظهارات خارجیان، اگر چه در میان مردم ایلات تعداد افراد با سواد بسیار کم بود، اما آنان به شعر و داستان سرایی دلبستگی شدیدی داشته اند و در زمینه ی موسیقی و رقص نیز از استعداد خاصی برخوردار بوده اند. طبق داده های موجود در سفرنامه ها، زبان این اقوام جز ترکی، ترکمنی و عربی ریشه در فارسی قدیم دارد. اکثر گزارش ها حکایت از آن دارد که در جوامع ایلی مجازات مجرمان بنا بر عرف و عادت صورت می گرفته است. هم چنین مردم ایلات در اجرای احکام دین چندان پایبند نبوده اند، اما برخی از موضوعات مثل قرآن، شخصیت های برجسته و دلیر دینی و مکان های قدیمی را مقدس می شمردند.

مطالب پژوهش حاضر بیشتر مرهون گزارش مأموران سیاسی کشورهای اروپایی، خصوصاً انگلیس است. در میان ایلات نیز، بیشتر گزارش ها به ایل بختیاری اختصاص یافته است.

کلید واژگان: قاجاریه، سفرنامه، جامعه، فرهنگ، افشار، بختیاری، بلوچ، ترکمن، شاهسون، عرب، قاجار، قشقایی، کرد، لر.

فهرست مطالب

عنوان صفحه

فصل اول: کلیات و مبانی

| | | |
|-------|---|----|
| 1,1 | درآمد | 2 |
| 2,1 | مبانی پژوهش | 4 |
| 1,2,1 | بیان مسأله | 4 |
| 2,2,1 | اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش | 4 |
| 3,2,1 | قلمرو پژوهش | 5 |
| 4,2,1 | سؤال های پژوهش | 6 |
| 5,2,1 | فرضیه های پژوهش | 6 |
| 6,2,1 | روش انجام پژوهش | 6 |
| 7,2,1 | تعاریف و مفاهیم تاریخی و مردم شناسی ایل و عشیره | 7 |
| 3,1 | پیشینه پژوهش | 12 |
| 4,1 | نقد و بررسی منابع | 18 |

فصل دوم: جغرافیای طبیعی و انسانی ایلات و عشایر (در سفرنامه های خارجی)

| | | |
|--------|--|----|
| 1,2 | درآمد | 40 |
| 2,2 | پراکندگی و قلمرو جغرافیایی ایلات و عشایر | 41 |
| 1,2,2 | ایل افشار | 41 |
| 2,2,2 | ایل بختیاری | 43 |
| 3,2,2 | ایلات بلوچ | 46 |
| 4,2,2 | ایلات ترکمن | 48 |
| 5,2,2 | ایل شاهسون | 50 |
| 6,2,2 | عشایر عرب | 51 |
| 7,2,2 | ایل قاجار | 52 |
| 8,2,2 | ایل قشقایی | 53 |
| 9,2,2 | ایلات کرد | 53 |
| 10,2,2 | ایلات لر | 56 |
| 11,2,2 | ایلات متفرقه | 60 |
| 3,2 | جغرافیای انسانی ایلات و عشایر | 66 |
| 1,3,2 | ایل بختیاری | 66 |
| 2,3,2 | ایلات بلوچ | 71 |
| 3,3,2 | ایلات ترکمن | 74 |
| 4,3,2 | عشایر عرب | 79 |
| 5,3,2 | ایل قاجار | 83 |
| 6,3,2 | ایل قشقایی | 84 |

| | | |
|---------|------------------|---------|
| 85..... | ایلات کرد | 7,3,2 |
| 86..... | ایلات کرمان | 8,3,2 |
| 90..... | ایلات لر | 9,3,2 |
| 90..... | لر کوچک | 1,9,3,2 |
| 92..... | ایلات کوه گیلویه | 2,9,3,2 |
| 95..... | ایلات ممسنی | 3,9,3,2 |
| 96..... | نتیجه گیری | 4,2 |

فصل سوم: تبیین نظام مدیریتی ایلات و عشایر (در سفرنامه های خارجی)

| | | |
|----------|-------------|------|
| 99..... | درآمد | 1,3 |
| 99..... | ایل افشار | 2,3 |
| 99..... | ایل بختیاری | 3,3 |
| 108..... | ایلات بلوچ | 4,3 |
| 110..... | ایلات ترکمن | 5,3 |
| 113..... | ایل شاهسون | 6,3 |
| 114..... | ایل قشقایی | 7,3 |
| 114..... | ایلات کرد | 8,3 |
| 115..... | ایلات لر | 9,3 |
| 119..... | نتیجه گیری | 10,3 |

فصل چهارم: جایگاه و منزلت زنان ایلات و عشایر و مسائل مربوط به آن ها (در سفرنامه های خارجی)

| | | |
|----------|-----------------------------------|-------|
| 122..... | درآمد | 1,4 |
| 122..... | جایگاه و منزلت زنان ایلات و عشایر | 2,4 |
| 122..... | ایل بختیاری | 1,2,4 |
| 126..... | ایلات بلوچ | 2,2,4 |
| 127..... | عشایر عرب | 3,2,4 |
| 127..... | ایل قشقایی | 4,2,4 |
| 129..... | حجاب و عفاف زنان ایلات و عشایر | 3,4 |
| 129..... | ایل بختیاری | 1,3,4 |
| 132..... | ایلات بلوچ | 2,3,4 |
| 132..... | ایلات ترکمن | 3,3,4 |
| 132..... | ایلات کرد | 4,3,4 |
| 133..... | ایلات لر | 5,3,4 |
| 135..... | آرایش و زینت زنان ایلات و عشایر | 4,4 |
| 135..... | ایل بختیاری | 1,4,4 |
| 139..... | ایلات بلوچ | 2,4,4 |

| | | |
|-----|------------------|-------|
| 139 |ایلات ترکمن | 3,4,4 |
| 140 |عشایر عرب | 4,4,4 |
| 141 |ایلات کرد | 5,4,4 |
| 142 |ایلات لر | 6,4,4 |
| 143 |نتیجه گیری | 5,4 |

فصل پنجم: عادات و رسوم ایلات و عشایر (در سفرنامه های خارجی)

| | | |
|-----|--|-------|
| 145 |درآمد | 1,5 |
| 145 |ازدواج ایلات و عشایر | 2,5 |
| 145 |ایل بختیاری | 1,2,5 |
| 157 |ایلات بلوچ | 2,2,5 |
| 160 |ایلات ترکمن | 3,2,5 |
| 164 |عشایر عرب | 4,2,5 |
| 164 |ایلات کرد | 5,2,5 |
| 168 |ایلات لر | 6,2,5 |
| 175 |ازدواج و رسوم سوگواری ایلات و عشایر | 3,5 |
| 175 |ایل بختیاری | 1,3,5 |
| 185 |ایلات بلوچ | 2,3,5 |
| 186 |ایلات ترکمن | 3,3,5 |
| 188 |ایلات کرد | 4,3,5 |
| 189 |ایلات لر | 5,3,5 |
| 192 |عادات و رفتارهای بهداشتی و درمانی ایلات و عشایر | 4,5 |
| 192 |ایل بختیاری | 1,4,5 |
| 196 |ایلات لر | 2,4,5 |
| 196 |ایلات متفرقه | 3,4,5 |
| 198 |نتیجه گیری | 5,5 |

فصل ششم: پوشاک مردان و زنان ایلات و عشایر (در سفرنامه های خارجی)

| | | |
|-----|--------------------------------|-------|
| 201 |درآمد | 1,6 |
| 201 |پوشاک مردان ایلات و عشایر | 2,6 |
| 201 |ایل بختیاری | 1,2,6 |
| 209 |ایلات بلوچ | 2,2,6 |
| 212 |ایلات ترکمن | 3,2,6 |
| 214 |عشایر عرب | 4,2,6 |
| 215 |ایل قاجار | 5,2,6 |
| 216 |ایلات کرد | 6,2,6 |
| 222 |ایلات لر | 7,2,6 |

| | | |
|---|---|-------|
| 225..... | پوشاک زنان ایلات و عشایر..... | 3,6 |
| 225..... | ایل بختیاری..... | 1,3,6 |
| 234..... | ایلات بلوچ..... | 2,3,6 |
| 235..... | ایلات ترکمن..... | 3,3,6 |
| 238..... | عشایر عرب..... | 4,3,6 |
| 239..... | ایلات کرد..... | 5,3,6 |
| 241..... | ایلات لر..... | 6,3,6 |
| 243..... | نتیجه گیری..... | 4,6 |
| فصل هفتم : مسائل فرهنگی، آموزشی و گویشی ایلات و عشایر (در سفرنامه های خارجی) | | |
| 246..... | درآمد..... | 1,7 |
| 246..... | داستان سرائی و شاهنامه خوانی ایلات و عشایر..... | 2,7 |
| 246..... | ایل بختیاری..... | 1,2,7 |
| 248..... | ایلات ترکمن..... | 2,2,7 |
| 249..... | عشایر عرب..... | 3,2,7 |
| 249..... | ایل قشقایی..... | 4,2,7 |
| 249..... | ایلات کرد..... | 5,2,7 |
| 249..... | موسیقی و رقص ایلات و عشایر..... | 3,7 |
| 249..... | ایل بختیاری..... | 1,3,7 |
| 252..... | ایلات کرد..... | 2,3,7 |
| 254..... | ایلات لر..... | 3,3,7 |
| 254..... | کسب مهارت در اوقات فراغت ایلات و عشایر..... | 4,7 |
| 254..... | ایل بختیاری..... | 1,4,7 |
| 256..... | ایلات بلوچ..... | 2,4,7 |
| 257..... | ایلات ترکمن..... | 3,4,7 |
| 257..... | ایل قشقایی..... | 4,4,7 |
| 258..... | ایلات کرد..... | 5,4,7 |
| 259..... | سواد و تحصیلات ایلات و عشایر..... | 5,7 |
| 259..... | ایل بختیاری..... | 1,5,7 |
| 263..... | ایلات ترکمن..... | 2,5,7 |
| 264..... | عشایر عرب..... | 3,5,7 |
| 264..... | ایلات کرد..... | 4,5,7 |
| 265..... | زبان و گویش های ایلات و عشایر..... | 6,7 |
| 265..... | بختیاری..... | 1,6,7 |
| 267..... | بلوچی..... | 2,6,7 |
| 268..... | ترکمنی..... | 3,6,7 |

| | |
|----------|----------------|
| 268..... | 4,6,7 ترکی |
| 268..... | 5,6,7 عربی |
| 269..... | 6,6,7 کردی |
| 270..... | 7,6,7 لری |
| 272..... | 7,7 نتیجه گیری |

فصل هشتم: عرف و عادت کیفی در ایلات و عشایر (در سفرنامه های خارجی)

| | |
|----------|---|
| 275..... | 1,8 درآمد |
| 275..... | 2,8 شیوه مجازات قاتل در ایلات و عشایر |
| 275..... | 1,2,8 ایل بختیاری |
| 278..... | 2,2,8 ایلات بلوچ |
| 278..... | 3,2,8 ایلات ترکمن |
| 279..... | 4,2,8 ایلات لر |
| 280..... | 3,8 شیوه مجازات سارق در ایلات و عشایر |
| 281..... | 1,3,8 ایل بختیاری |
| 282..... | 4,8 شیوه مجازات عاملان منافی عفت در ایلات و عشایر |
| 282..... | 1,4,8 ایل بختیاری |
| 282..... | 2,4,8 ایل بلوچ |
| 283..... | 3,4,8 ایلات ترکمن |
| 283..... | 4,4,8 عشایر عرب |
| 284..... | 5,4,8 ایلات کرد |
| 285..... | 6,4,8 ایلات لر |
| 286..... | 5,8 نتیجه گیری |

فصل نهم: باورها و رویکردهای مذهبی و عقیدتی ایلات و عشایر (در سفرنامه های خارجی)

| | |
|----------|--------------------------------------|
| 288..... | 1,9 درآمد |
| 288..... | 2,9 ایلات و عشایر شیعی |
| 288..... | 1,2,9 ایل بختیاری |
| 295..... | 2,2,9 عشایر عرب |
| 295..... | 3,2,9 ایل قاجار |
| 295..... | 4,2,9 ایلات لر |
| 305..... | 3,9 ایلات و عشایر سنی |
| 305..... | 1,3,9 ایلات بلوچ |
| 306..... | 2,3,9 ایلات ترکمن |
| 308..... | 4,9 ایلات و عشایر مختلط (شیعه و سنی) |
| 308..... | 1,4,9 ایلات کرد |
| 310..... | 5,9 نتیجه گیری |

| | |
|----------|----------|
| 312..... | حاصل سخن |
| 316..... | کتابنامه |

فهرست تصاویر

الف) نقشه ها

- نقشه 1,2. پراکندگی ایلات و عشایر ایران 41
- نقشه 2,2. سرزمین بختیاری 43
- نقشه 3,2. پراکندگی ایلات لرستان (شهرستان خرم آباد) 56
- نقشه 4,2. اراضی لر نشین به تفکیک لر بزرگ (لرستان خاوری) و لر کوچک (لرستان باختری) 59

ب) جدول ها

- جدول 1,2. تفکیک لرستان در دوره اسلامی 60
- جدول 2,2. قبایل بختیاری «هفت لنگ» (1836-1890 م./1252-1308 هـ.ق) 67
- جدول 3,2. قبایل بختیاری «چهار لنگ» (1836-1890 م./1252-1308 هـ.ق) 68
- جدول 4,2. ایلات فارس و لرستان 84
- جدول 5,2. قبایل کوه گیلویه 94

ج) نقاشی ها

- نقاشی 1,6. بختیاری از کوه های لرستان 204
- نقاشی 2,6. مراد بختیاری 204
- نقاشی 3,6. ترکمان تگه 213
- نقاشی 4,6. ترکمن 213
- نقاشی 5,6. کرد مسلح 218
- نقاشی 6,6. کرد ارومیه 218
- نقاشی 7,6. عبدالکریم - کرد 219
- نقاشی 8,6. سنجر - کرد ارومیه 219
- نقاشی 9,6. لر شوستر 223
- نقاشی 10,6. طرحی کلیشه ای از زن متأهل یموت در قرن نوزدهم 237

د) عکس ها

- عکس 1,5. مجسمه شیر سنگی در یکی از گورستان های بختیاری 176
- عکس 1,6. فرمانروایان بختیاری 209
- عکس 2,6. مرد لر در کوه های غرب ایران 225
- عکس 3,6. زن بختیاری در منطقه غربی اصفهان 232
- عکس 4,6. زن بختیاری 233
- عکس 1,7. سورنا و طبل 252
- عکس 2,7. رقص با چوب 252
- عکس 3,7. کسب مهارت در تیراندازی 256

فصل اول

کلیات و مبانی

1,1 درآمد

کشور کهنسال ایران از روزگاران دور، گذرگاه ملل شرق و غرب و محل تماس ملیت‌ها و عقاید گوناگون بوده است. از این رو تاریخ مناسبات ایران با کشورهای دیگر، از دوران باستان تاکنون، گاه بسیار محکم و برخوردار از رونق نسبی و گاهی شکننده و ضعیف عمل کرده است. چنان‌چه در قرن هفدهم، در دوره اوج ثبات و آرامش سلسله صفویه روابط ایران و کشورهای اروپایی گسترش چشمگیری یافت، طوری که سیاحان اروپایی با انگیزه‌های مختلف سیاسی، مذهبی و اقتصادی روانه ایران شدند و دربار و پایتخت صفوی پذیرای مسافران بسیاری از سرزمین‌های مختلف اروپایی بود که در راستای مأموریت‌های خود قلمرو پهناور ایران را در می‌نوردیدند. اما پس از فروپاشی سلسله صفویه و حوادث ناشی از فتنه افغانه، ایران در هرج و مرج فرو رفت. در نتیجه در دوره‌ی پرتشنج سلسله‌های افشاریه و زندیه سیاحان بیگانه رغبت چندانی برای سیاحت در ایران نداشتند و این روند تا زمامداری قاجاریه ادامه یافت.

استقرار قاجاریه در قرن نوزدهم نیز برهه بسیار حساسی از تاریخ ایران و جهان بود؛ زیرا با پیامدهای انقلاب صنعتی از جمله رشد گسترده تجارت جهانی و تکاپوهای دولت‌های استعماری در مناطق مختلفی از آسیا و آفریقا همزمان شد. از آن‌جا که در نظام استعماری کسب منافع سیاسی و اقتصادی، قدرت‌های استعمارگر را به بیرون از مرزهای ملی خود رهنمون ساخت این مسأله باعث شد اولاً حوزه‌های سیاسی و اقتصادی جدیدی در کانون توجه استعمارگران قرار بگیرد، ثانیاً تلاش همزمان چندین دولت بر سر کسب منافع جدید اقتصادی، امکان تصادم این قدرت‌ها را با یکدیگر در حوزه‌هایی که از نظر سوق الجیشی و اقتصادی اهمیت ویژه‌ای داشتند، افزایش دهد. بدین ترتیب ایران به حکم موقعیت ژئوپولیتیکی و حساس خود و با توجه به آن که در این زمان از نظر سیاسی نیز ناتوان و واپس مانده بود، خواه ناخواه به پهنه بازی‌های سیاست جهانی کشیده شد. ناگفته نماند انقلاب صنعتی نه تنها به عنوان یکی از رخدادهای مهم جهان، تأثیر زیادی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برجای نهاد بلکه باعث دگرگونی بسیاری در اندیشه‌ها، عقاید و پیدایش مکاتب و ایدئولوژی‌های تازه‌ای شد. از این رو اگر میل به شناخت سرزمین‌های ناشناخته مشرق زمین از

رسانس به بعد آغاز گردید، در قرن نوزدهم این میل تا آن جا پیش رفت که اندیشیدن به شرق از جمله دل مشغولی های اندیشمندان مغرب زمین شده و شرق شناسی شبه علمی بود که در کنار رشد و گسترش علوم انسانی هم چون مردم شناسی، باستان شناسی و جغرافیا دوشادوش فتوحات استعماری توسعه یافت. در این عرصه نیز ایران به علت داشتن قابلیت هایی برای پروبال دادن به این علوم نزد صاحبان دانش و قدرت اهمیت فوق العاده ای یافت. لذا خیل سیاحتگران بیگانه با انگیزه های مختلف سیاسی، مذهبی، اقتصادی و علمی به سوی ایران سرازیر گردید. از این رو عصر قاجار در مقایسه با ادوار گذشته شاهد ورود بیشترین تعداد سیاحان شد.

از پیامدها و دستاوردهای مهم سفر این سیاحان به ایران ثبت مشاهدات و تجربیات ایشان در قالب سفرنامه ها و گزارش هایی است که به لحاظ تاریخی در شناخت تاریخ ایران دوره قاجاریه ارزش فراوانی دارد، به ویژه در حوزه اجتماعی که به سبب عدم رویکرد تاریخ نگاری سنتی ایران به حیات اجتماعی مردم، اطلاعات کمتری در این زمینه به چشم می خورد. از این رو این آثار با احتیاطی محققانه، کور سوی زندگی مردم ایران را که در متون تاریخ نگاری فرمایشی مغفول و مهجور مانده، روشن می سازند.

از آن جا که در دوره قاجار ایلات و عشایر از یک سو به عنوان کانون های پراکنده قدرت سیاسی و اقتصادی حائز اهمیت بودند و از سوی دیگر موزه زنده ای از میراث اجتماعی و فرهنگی گذشته زندگی بشر به شمار می رفتند توانستند توجه بسیاری از سیاحان بیگانه را به خود جلب کنند. بدین جهت بسیاری از خارجیان در سفرنامه هایشان بنابر دیده ها و شنیده های خود به توصیف جنبه های مختلف زندگی جوامع ایلی نشستند. اگرچه اکثر آنان منویات و سیاست های دولت های متبوع خود را در ایران دنبال می کردند، اما از آن جا که با دقت نظر به ثبت و ضبط اجزای هویت فرهنگی و اجتماعی ایلات و عشایر که امروزه در بحث تاریخ اجتماعی کاربرد دارد همت گماردند می توان از کنار هم قرر دادن داده های آن ها، هم چون تکه های پازل، تصاویری از هویت فرهنگی و اجتماعی بخش اعظمی از اقوام ایرانی را در دوره قاجار به دست آورد.

حال که صحبت از سفرنامه های خارجیان به میان آمده است ضروری به نظر می رسد که از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار گیرند: درست است که در نوشته های سیاحان به علت عدم آشنایی آن ها با زبان فارسی و یا بی اطلاعی از بافت جامعه ی ایرانی و یا اغراض خصوصی و سیاسی مطالب نادرست و عاری از حقیقت نیز به چشم می خورد، اما این موضوع یک روی سکه است زیرا اگر با دقت این سفرنامه ها مورد مطالعه قرار گیرند معلوم می شود که اکثر سیاحان خارجی به جزئیات وقایعی پرداخته اند که مورخان ایرانی توجه زیادی به آن ها نکرده اند. ناگفته نماند که تاریخ نویسان درباری هم در موقعیتی نبودند که بتوانند بعضی از این مطالب را بنویسند. از طرفی بسیاری از آداب و رسوم، باورها و خلیات و ... که اکنون از بین رفته است و برای تاریخ نویس ایرانی تازگی نداشته، برای یک

خارجی تازه وارد جالب بوده و به دقت آن‌ها را به رشته تحریر درآورده است. از این رو می‌توان گفت: سفرنامه‌های خارجی‌ان از آن رو که به کشف زوایای تاریک تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران کمک می‌کنند از منابع بسیار با ارزش به شمار می‌روند، تا آن‌جا که مطالعه و تحقیق درباره‌ی موضوعات تاریخ معاصر بدون در نظر گرفتن آن‌ها نمی‌تواند کامل باشد.

2,1. مبانی پژوهش

2,1,1. بیان مسأله

همزمان با به قدرت رسیدن قاجارها، سیاست‌های استعماری اروپاییان در بسیاری از نقاط جهان گسترش یافت و ایران در معادلات بین‌الملل به علت موقعیت سوق‌الجیشی و بهره‌مندی از منابع اولیه، به ویژه در نظر کشورهای استعمارگری چون انگلیس، روسیه و فرانسه اهمیت خاصی یافت. از این رو ارتباطات خارجی کشورمان در این دوره نسبت به اعصار پیش از خود ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد. هم‌چنین با توجه به این‌که قرن نوزدهم میلادی مصادف است با اوج مطالعات شرق‌شناسی در اروپا، مسافران خارجی در ایران، که بیشتر مأموران سیاسی، نظامی و فرهنگی و گاه تاجران و مشتاقان سفر بوده‌اند، شرح خاطراتشان را بنا به نوع رویکردشان به سفر نگاشته‌اند. تا آن‌جا که سفرنامه‌ها در بین منابع تاریخی دوره قاجاریه، به جهت شفاف‌سازی ابعاد اجتماعی و فرهنگی از اهمیت بسیاری برخوردار هستند و جزئیات روشنی از چگونگی وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران عصر قاجاریه به دست می‌دهند و با توجه به این‌که ایلات و عشایر در این دوره یک سوم جمعیت ایران را دارا بوده و از کانون‌های قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی دوره قاجاریه محسوب می‌شده و از نظر اوضاع اجتماعی و فرهنگی نیز زندگی متفاوتی نسبت به شهرنشینان داشتند، جهانگردان از یک سو به لحاظ سیاسی و اقتصادی و از سوی دیگر، برای تکمیل بینش‌های تاریخی و غنا بخشیدن به مطالعات جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی خود، به ایلات و عشایر با امعان نظر بیشتری توجه کردند و تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که از آن برخاسته‌اند، در سفرنامه‌های خود گزارش‌های ارزشمندی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایلات و عشایر ارائه دادند. از این رو این پژوهش برآن است تا موضوعات اجتماعی و فرهنگی راجع به ایلات و عشایر را از متن سفرنامه‌ها استخراج، جمع‌بندی و تحلیل و نتیجه‌گیری کند و به این مسأله پاسخ دهد که سفرنامه‌نویسان خارجی، اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایلات و عشایر را چگونه تبیین کرده‌اند؟ و از پرتو این سفرنامه‌ها سیر تحول و تطور حیات اجتماعی و فرهنگی آنان چگونه قابل تبیین است و چه نتایجی از آن بدست می‌آید؟

2,2,1. اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش

بحث مربوط به اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایلات و عشایر در دوره قاجاریه یکی از مباحث مهم در تاریخ اجتماعی است که اگر مغفول نمانده باشد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. چرا که منابع و

تحقیقات تاریخی عمدتاً به جنبه های سیاسی و نظامی ایلات و عشایر ایران که قرن ها به عنوان مهره های شطرنج در صحنه ی بازی های سیاسی و کشمکش های داخلی نقش مؤثری ایفا کرده و عنصر فعال و گاهی محور اصلی تحولات سیاسی بوده اند ، پرداخته اند. همین بی توجهی نسبت به اوضاع اجتماعی و فرهنگی از علل شناخت ناقص این گروه عظیم در جامعه ایران به شمار می رود. گروهی که نقش مهمی در تاریخ این مملکت داشته و سنن کهن را پاسداری کرده اند، تا آن جا که راه و روش زندگی شان یادآور راه و روش زندگی نیاکان چند هزار سال پیش ما است . مطالعه ی این جوامع نه تنها به شناخت فرهنگ و زندگی نیاکان ما کمک می کند بلکه در جهت درک چگونگی روند تکامل اجتماعی - فرهنگی دیگر جوامع بشری نیز راه گشا است. این مهم ، پژوهشگر علاقه مند به تاریخ اجتماعی را وامی دارد تا جهت رفع خلأهای پژوهشی موجود در قالب یک پژوهش علمی، رساله ای مستقل، تدوین نماید. تا به صورت مبسوط و منطقی به درک درستی از حیات اجتماعی جوامع ایلی - عشیره ای و تغییر و تحولات آن ها در گذر زمان دست یابد، و چون در بین منابع اصلی و مهم تاریخی که در دسترس پژوهندگان قرار دارد، سفرنامه ها اغلب به علت توجه ویژه و گسترده به موضوعات غیرسیاسی به ویژه اجتماعی و فرهنگی ، از اهمیت قابل توجهی برخوردارند، و با دقت نظر قابل ملاحظه ای نیز به زندگی جوامع ایلی ایران توجه کرده اند و هم چنین از آن جایی که در میان تحقیقات تاریخی و مردم شناسی مربوط به ایلات و عشایر ایران اثری که اساس و تکیه اصلی آن به سفرنامه های خارجی باشد، دیده نمی شود و در کتاب هایی نیز که در این باره وجود دارد ، از سفرنامه ها صرفاً به عنوان یکی از منابع تاریخی همانند سایر منابع استفاده شده است، انجام پژوهشی مستقل براساس مطالب مندرج در سفرنامه ها درباره ی اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایلات و عشایر ضروری می نماید.

3,2,1. قلمرو پژوهش:

پژوهش حاضر مربوط به اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایلات و عشایر ایران در دوره قاجاریه است. با عنایت به پراکندگی جوامع ایلی ایران از یک سو و تغییر و تحولات در مرزهای ایران در دوره قاجاریه به دنبال عقد قراردادهایی با کشورهای روس و انگلیس از سوی دیگر و هم چنین بی توجهی ایلات سرحدی چهار سوی کشور به مرزهای سیاسی ایران با کشورهای همجوار و توصیف برخی سیاحان از وضعیت ایلات بنابر تحدیدات قومی و نه سیاسی، نمی توان در خصوص قلمرو مکانی ایلات و عشایر ایران در این دوره محدوده ای قابل تعریف و دقیق ترسیم کرد.

قلمرو زمانی این پژوهش از سال تأسیس حکومت قاجاریه 1210 هـ.ق/1174 هـ.ش/1795 م. تا انقراض حکومت مزبور 1304 هـ.ش / 1344 هـ.ق / 1925 م. را در بردارد.

قلمرو موضوعی این نوشتار: اوضاع اجتماعی فرهنگی ایلات و عشایر ایران در سفرنامه های خارجیان در دوره قاجار است.

4,2,1. سوال های پژوهش:

1. سفرنامه نویسان خارجی اوضاع اجتماعی ایلات و عشایر را چگونه تبیین کرده اند؟

2. از پرتو گزارش های سیاحان خارجی چه اطلاعاتی از اوضاع فرهنگی ایلات و عشایر دوره قاجاریه می توان به دست آورد؟

5,2,1. فرضیه های پژوهش:

1. با توجه به آن که بسیاری از سیاحان سیاست دولت های متبوع خود را در مناطق ایل نشین دنبال می کردند برای رسیدن به مقصود با امعان نظر بیشتری نسبت به مورخان ایرانی در ثبت اوضاع اجتماعی در سفرنامه های خود همت گماردند.

2. نامانوس بودن پدیده های فرهنگی جوامع ایلی و عشیره ای برای خارجیان موجب گردید بسیاری از موضوعات فرهنگی هم چون زبان ، شعر ، پوشاک ... برای آن ها ارزش ثبت و ضبط داشته باشد ، تا آن جا که می توان بنا بر گزارش آن ها تصویری روشن از هویت فرهنگی ایلات در دوره قاجار ارائه داد.

6,2,1. روش انجام پژوهش:

انجام این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی و ابزار تحقیق ، کتابخانه ای و با استفاده از منابع اصلی یعنی سفرنامه ها و خاطرات می باشد. هم چنین از بعضی منابع و تحقیقات تاریخی و مردم شناسی جهت تأیید و یا تشریح و تحلیل بیشتر مسائل و موضوعات مطرح شده در سفرنامه ها، بهره گرفته شده است.

در این پژوهش برای به دست آوردن اطلاعات جامع، ابتدا سفرنامه های ترجمه شده مربوط به قلمرو تحقیق شناسایی و مورد مطالعه و فیش برداری قرار گرفتند. آن گاه، مطالب سفرنامه ها براساس توصیف جغرافیایی، مدیریتی، جایگاه زنان، عادات و رسوم، پوشاک، مسائل فرهنگی، آموزشی و گویشی، عرف و عادت کیفری و باورها و رویکردهای مذهبی و عقیدتی مرتبط با هر کدام از ایلات به ترتیب زمان حضور سیاح از ابتدا تا انتهای قاجار دسته بندی شدند. سپس گزارش های مزبور براساس موضوع و به ترتیب حروف الفبایی ایلات و با در نظر گرفتن زمان حضور سیاح مورد استفاده قرار گرفتند. این روش به پژوهشگر این فرصت را داد تا با توجه به موضوع تعیین شده وضعیت هر کدام از ایلات را در

طول دوره قاجاریه به طور جداگانه و سپس با ایلات دیگر مقایسه کرده و به تجزیه و تحلیل بپردازد و به عبارتی با توجه به موضوع، گزارش همه ی سفرنامه ها به ترتیب زمانی حضور سیاح و به ترتیب الفبایی ایلات در هم ادغام می گردند.

از آن جا که بدون آشنایی با مبانی جامعه شناسی و مردم شناسی ایلات و عشایر نمی توان آن طور که باید و شاید اوضاع اجتماعی و فرهنگی مردم ایل را مورد بررسی قرار داد پژوهشگر این نوشتار از کتاب هایی که در این زمینه به رشته تحریر درآمده، به عنوان الگو و نمونه کار مورد استفاده قرار داده است، تا به نحو احسن از گزارش سیاحان بهره مند شود. بدین جهت می توان گفت این اثر مطالعه ی میان رشته ای می باشد.

7,2,1. تعاریف و مفاهیم تاریخی و مردم شناسی ایل و عشیره

از آن جا که در مطالعه و شناخت اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایلات و عشایر خواننده به برخی اصطلاحات و مفاهیم برخورد می کند که در دو نظام اجتماعی (شهری - روستایی) یا اصلاً وجود ندارد و یا اگر هم در برخی از جوامع روستایی سابقه داشته باشد، مانند جامعه عشایری عینی و مشهود نیست. از این رو پیش از ورود به بحث درباره اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایلات و عشایر ایران در سفرنامه های خارجیان در دوره قاجار، برای روشن شدن مفاهیم این قبیل اصطلاحات، علاوه بر تعریف، توضیح مختصری برای هریک داده خواهد شد.

در زبان فارسی و در جامعه ما «ایل» و «عشیره» دو اصطلاح اند که از زبان بیگانه گرفته شده و غالباً به یک معنی بکار برده می شوند. ایل واژه ای مغولی، ترکی است به معنای دوست و موافق، یار، همراه، رام، مطیع، طایفه، قبیله، گروه و بیشتر به مردم چادرنشین اطلاق می گردد.¹ ایلات (جمع ایل) برای نخستین بار در زبان فارسی در زمان ایلخانیان به کار رفته که منظور از آن طوایف صحرائین است.²

عشیره واژه ای عربی به معنای برادران، قبیله، تبار و نزدیکان از جانب پدر است.³ عشایر جمع عشیره به معنای قبایل و طوایف است.⁴

در قرآن کریم به مناسباتی چند از عشیره به معنای خویشان ذکر شده است: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وِ أَبْنَاؤُكُمْ وِ إِخْوَانُكُمْ وِ أَزْوَاجُكُمْ وِ عَشِيرَتُكُمْ وِ ...»¹. یا «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»².

¹ - لغت نامه دهخدا، ذیل «ایل».

² - حمید اشرفی خیرآبادی «ایل بختیاری»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش 142، اسفند 1388، ص 101.

³ - لغت نامه دهخدا، ذیل «عشیره».

⁴ - همان جا.

اندیشمندان از دیرباز کوشیده اند تا تعاریفی از جوامع ایلی به دست دهند و ویژگی ها و وجوه تمایز آن ها را از جوامع دیگر مشخص سازند. با وجود این باز هم در تبیین مفاهیم بنیادی «ایل»، «قبیله»، «طایفه» و «عشیره» ناهماهنگی ها و اختلاف نظرهایی در میان مردم شناسان وجود دارد. در این میان ابن خلدون، فیلسوف، مورخ و جامعه شناس اسلامی قرن هشتم هجری، قدیم ترین تعریف از جامعه ایلی - عشیره ای را در مقدمه ای مشهور خود بدست می دهد.

باید دانست که تفاوت عادات و رسوم و شئون زندگانی ملتها در نتیجه اختلافی است که در شیوه معاش (اقتصاد) خود پیش می گیرند، چه اجتماع ایشان تنها برای تعاون و همکاری در راه بدست آوردن وسایل معاش است و البته درین هدف از نخستین ضروریات ساده آغاز میکنند و اینگونه اجتماعات ابتدایی و ساده نوعی تلاش و فعالیت پیش از مرحله شهرنشینی و رسیدن بمرحله تمدن کامل است. از اینرو گروهی بکار کشاورزی از قبیل درختکاری و کشت و کار می پردازند و دسته ای امور پرورش حیوانات مانند گوسفندداری و گاوداری و تربیت زنبور عسل و کرم ابریشم را پیشه می سازند تا از نسل گذاری آنها بهره مند شوند و محصولهای آنها را مورد استفاده قرار دهند و دو دسته مزبور که بکار کشاورزی و پرورش حیوانات می پردازند مجبورند در دشتهای و صحراها بسر برند و زندگانی صحرائنشینی را برگزینند. زیرا دشتهای پهناوری که دارای کشتزارها و زمینهای حاصلخیز و چراگاههای حیوانات و جز اینهاست برای منظور آنان شایسته تر از شهرها می باشد و بنابراین اختصاصی یافتن طوایف مزبور ببادیه نشینی امری ضروری و اجتناب ناپذیر بوده است. ولی هنگامیکه وضع زندگی همین طوایف که بدین شیوه میزیند توسعه یابد... آن وقت وضع نوین آنانرا به آرامش طلبی و سکون گزیدن وا میدارد.³

تاریخ نگاران و نویسندگان قدیم ایرانی نیز مانند ابن خلدون میان ایل، عشیره، قبیله و طایفه تمایزی قائل نبودند و ایل و عشیره و طایفه را مترادف با یکدیگر و برای معرفی گروهی از مردم کوچنده ای چادرنشین که از طریق شبانی امرار معاش می کردند به کار می بردند. تا آن جا که از دوره صفویه به بعد، برخی از تاریخ نگاران مانند اسکندر بیگ منشی در تاریخ عالم آرای عباسی و محمد کاظم مروی در عالم آرای نادری، گهگاه طایفه را به جای ایل و برای معرفی جماعات کوچنده به کار برده اند.⁴ اما فسائی در «فارسنامه ناصری» بین ایل و طایفه تمایز قائل شده است. وی ایل را برای مردمی که در تمام سال در بیابان ها، در چادرهای سیاه زندگی می کنند و از گرمسیر به سردسیر جابه

1- سوره توبه، آیه 240 .

2 - سوره شعراء، آیه 214 .

³ - عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه ی محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1352، ج 3، ص 1، ص 226.

⁴ - علی بلوکباشی، جامعه ایلی در ایران، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، 1382، ص 22.

جا می‌شوند به کار می‌برد و طایفه را به قبیله ای که کوچ نمی‌کنند و از تیره های ایلات نیستند، و در سیاه چادر و یا در دهات اقامت دارند، اطلاق می‌کند.¹

کیهان در جغرافیای مفصل در تعریف ایل می‌نویسد: کلمه ایل ترکی است و استعمال آن از زمان استیلای مغول در ایران بوده و معنی آن طایفه است. و امروزه به جماعتی در ایران اطلاق می‌شود که در چادر زندگی می‌کنند، مسکن معین ندارند و به بیلاق و قشلاق می‌روند و عمده ی دارایی آن‌ها اغنام و احشام است که با خود کوچ می‌دهند. از این رو زندگی آن‌ها به همان حالت درجه دوم که بعد از حالت وحشی گری است باقی مانده است. هم چنین عادات و تمدنی مخصوص به خودشان را حفظ کرده اند.²

ورجاوند مهم ترین و رایج ترین نومادیزم را نومادیزم شبانی می‌داند: شیوه ای از زندگی جابجایی سالیانه و موسمی که گروهی از مردم همراه با چهارپایان خود از محل چادرهای اردوی زمستانی تا چراگاههای تابستانی به مورد اجرا در می‌آورند و مجدداً در فصل سرما به اردوگاه تابستانی باز می‌گردند.³

البته وی خاطرنشان می‌سازد که خصوصیات زندگی ایلیاتی تنها مربوط به مردمانی نیست که زیر چادر به سر می‌برند بلکه مردمان یکجانشینی نیز هستند که ویژگی‌ها و ساختمان اجتماعی زندگی قبیله ای و ایلیاتی را هم چنان حفظ کرده و به عکس چادرنشینی نیز هستند که اساس زندگیشان با خصوصیات زندگی مردم ایلیاتی تطابقی ندارد.⁴

شهبازی در کتاب «ایل ناشناخته (پژوهشی در کوه نشینان سرخی فارس)» با جمع بندی نظرات مردم شناسان در توضیح مفاهیم عشیره و ایل چنین می‌نویسد: «عشیره» جماعتی است که براساس «پیوندهای خونی» متحد شده است و تشکیل یک واحد مستقل همبسته را می‌دهد. در جوامعی که پیوندهای خونی و نیای واحد به ثبوت نرسد، این امر بافت عشیره را نفی نمی‌کند، بلکه صرف وجود «احساس خویشاوندی» کافی است. چنین احساسی پیوند اجتماعی را تحکیم می‌بخشد و اساس

¹ - حاج میرزا حسن حسینی فسائی، *فارسنامه ناصری*، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی، تهران: امیر کبیر، 1367، ج 2، ص 1573 و 1616.

² - مسعود کیهان، *جغرافیای مفصل ایران - سیاسی*، تهران: ابن سینا، 1311، ج 2، ص 55.

³ - پرویز ورجاوند، *روش بررسی و شناخت کلیه ایلات و عشایر*، تهران: مؤسسه ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی، 1344، ص 23.

⁴ - همان، ص 24.

وحدت عشیره را تشکیل می‌دهد. در این تعریف عنصر اصلی، پیوند خونی و تباری است.¹ وی در باره ی ایل می‌نویسد :

ایل جماعتی است که سازمان اجتماعی آن قبیله‌ای، شیوه زیست آن کوچ نشینی (کوچ نشینی کامل یا نیمه کوچ نشینی) و شیوه‌های معاش آن دامداری باشد و یک واحد مستقل اجتماعی و فرهنگی را تشکیل دهد.²

با توجه به آن که سیاحان گزارش‌های خود را در مورد ایلات طبق تعریف مشخصی ارائه نکرده‌اند و از طرفی بین مردم شناسان نیز در تبیین ایل و عشیره اختلاف نظر وجود دارد از این رو راقم این پژوهش برای آن که بتواند از داده‌های سفرنامه نویسان بیشترین بهره را در جهت شناخت اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایلات و عشایر دوره قاجاریه ببرد، بر آن است تا این نوشتار را بنابر مفهومی از اصطلاح ایل تدوین نماید که تمامی ایلات و عشایر ایران را در دوره قاجاریه در برگیرد که افزون بر داشتن قلمرو معین دارای ساخت اجتماعی، سیاسی و شیوه معیشت مبتنی بر تولیدات دامی و کشاورزی و نظام کوچ یا یکجا نشینی باشد، به این اعتبار در تدوین این اثر به تعریف ذیل نظر دارد.

اجتماعی از مردم با خصوصیات قومی مشابه و در سرزمین معین. عضویت افراد آگاهانه و براساس رابطه مستحکم خویشاوندی استوار و دارای اقتصادی محدود، مبتنی بر یک یا دو شیوه تولید (دامی - کشاورزی) و نظام زندگی کوچ یا یکجانشینی با ساخت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ویژه.³

بنابر این تعریف در کنار آن دسته از ایلات و عشایری که زندگی آن‌ها بر اساس نظام کوچ مرتب سالیانه، و زندگی در سیاه چادر پی ریزی شده است، و به عبارت دیگر کوچ نشینانی که به دنبال چرای دام نیمی از سال را در سردسیر (بیلاق) و نیم دیگر را در گرمسیر (قشلاق) به سر می‌برند. ایلات و عشایری نیز هستند که اگرچه ساخت زندگی اجتماعی، فرهنگی آن‌ها با نظام چادرنشینی و زندگی کوچ همانندی دارد، ولی چون در روستا زندگی می‌کنند شیوه معیشت آن‌ها در درجه اول کشاورزی، سپس دام داری متحرک است، از این قبیل اند عشایر «کرد» (کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی) یا برخی از ایلات «لر» (لرستان) و طوایف جنوب شرقی مانند بلوچ‌ها و یا عشایر عرب خوزستان و بالاخره شاهسون‌های دشت مغان و ترکمن‌های دشت گرگان.⁴

¹ - عبدالله شهبازی، ایل ناشناخته (پژوهشی در کوه نشینان سرخی فارس)، تهران: نی، 1366، ص 21.

² - همان، ص 23.

³ - ورجاوند، ص 135.

⁴ - حشمت الله طبیبی، مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر، تهران: دانشگاه تهران، 1378، ج 3، ص 133-134.